

متن پرسش

با سلام خدمت استاد بزرگوار: نکاتی مد نظر بنده است که تقاضا دارم با سعه صدر مورد توجه قرار بدهید و باز هم تقاضا دارم که در صورت امکان با جواب خویش به گشایش امر کمک بفرمایید:

عجیب است که چند روزی است در فضای سایت و بین مخاطبانش بحث هدایت قلب زعیم الهی و عصمت داشتن و نداشتنش حسابی داغ شده است. گآن تمام دشواری‌های پیش آمده در روزگار ما با حل شدن این مساله برطرف خواهد شد. لطفاً به بنده حقیر بفرمائید که این همه نقض حقوق شرعی اخلاقی و قانونی که دارد اتفاق می‌افتد از مصادیق هدایت زعیم الهی است! استاد عزیز باور بفرمائید الان مشکل اشتباهات احمدی نژاد نیست! به هر حال شما طبق مبانی تفکری خودتان می‌توانید رفتار احمدی نژاد را خارج از حکمت و ... بدانید و البته شناختی که بنده از مبانی تفکری جنابعالی دارم این است که منطق شما با مبانی خودتان سازگار است. البته می‌توان به این مبانی تشکیک کرد و با شما در این باب به گفتگو نشست، اما امروز مساله و بحث ما این نیست! مساله ظلمی است که دارد اتفاق می‌افتد و آیا در قبال آن هیچ مسئولیتی متوجه ما و شما نیست؟ آیا با برشمردن اشتباهات احمدی نژاد صورت مساله مسئولیت داشتن آقای طاهرزاده پاک می‌شود؟ آیا این یک نوع فرافکنی و شانه خالی کردن نیست؟ مگر نه این که پیامبر (ص) فرموده است: هر کس ندای استغاثه‌ی مسلمی را بشنود و پاسخ نگوید، مسلمان نیست. کلمه هر کس هم که مطلق است و قید ذیل زعیم الهی بودن یا نبودن را هم که ندارد. استاد عزیز اگر ما صدتا نامه امضا کنیم و هزارتا بیانیه بدهیم هیچ فایده‌ای ندارد در حالی که اگر چهار تا آدم وجیه در این قضیه ورود کنند، مساله متفاوت می‌شود. چرا حضرتعالی و امثال حضرتعالی در این قضیه ورود نمی‌کنید تا قوه قضائیه این مسخره بازی را تمام کند؟ اصلاً ما را چه به احمدی نژاد! مگر مساله ما احمدی نژاد است؟! مساله باورهای ماست که در این قضیه دارد می‌لرزد! امروز اگر دشمنان نظام هر راست و دروغی را در رابطه با ظلم در جمهوری اسلامی بگویند، من بچه مسلمان انقلابی هم تنم می‌لرزد که نکند راست باشد. امروز پیش خود می‌گوییم تمام آن شایعاتی که یک زمانی می‌گفتند و ما باور نمی‌کردیم، نکند که راست بوده! و به راستی چه کسی مسئول این همه درد و فشار بر ما از جهت لرزش باورهایمان است؟ احمدی نژاد؟ درد من این است که مساله اختلاف نظرها و اختلاف مبانی‌ها و نسبت گیریهای متفاوت با رهبری نیست. مشکل این سکوتی است که از بالا تا پایین بزرگان جامعه را فراگرفته است! احمدی نژاد می‌گوید وقتی با من که به هر حال هشت سال رئیس جمهور این مملکت بودم چنین می‌کنید وای به حال مردم عادی! امروز متاسفانه به جایی رسیدیم که در دعوی مردم با حاکمیت در دعوی میان بالایی‌ها و پایینی‌ها

از این که واقعا حق به حق دار برسد دیگر ناامید شده ایم! آیا این درد کمی است! آیا من و شما مسؤل نیستیم؟ و عجیب است که پاسخ شما در قبال همه این مسائل این است که این ها در جلسات خصوصی اشان بعضی از نظرات رهبری را قبول ندارند؟! باور بفرمائید که دیگر این یکی با مبانی خود حضرتعالی هم جور در نمی آید! متاسفانه به نظر من احمدی نژاد در یک بازی دو سر باخت گرفتار شده است، کاری نکند قربانی است، کاری هم بکند باز قربانی است! و حکایت عملکرد شما و بقیه هم جبهه ای هایتان حکایت کسانی است که به دوست یا برادرشان می گویند از جبهه امن کنار ما خارج نشو و حالا طرف به هر دلیلی بر مرزهای جبهه شما پا گذاشته است و گرفتار شیرها شده، نجنگد خورده می شود، بجنگد هم باز نابود می شود و حالا شما و بقیه بیرون از گود و در جایگاه فعلا امتنان نشستید و فقط می گویند دیدی گفتیم نرو، دیدی گفتیم نرو. و تمام! این رفتار از بسیاری از افرادی که همیشه نگاه سیاسی، حزبی، جناحی و ... بر حوزه تفکرشان غالب بوده قابل پذیرش است، اما جنابعالی چی؟ شما که مواضع سیاسی دکتر داوری را در جهت آزاد اندیشی توجیه می کنید شما که حتی تیم دولت روحانی را در جهت سعه صدر در دایره انقلاب حفظ می کنید، اما در قبال احمدی نژاد تمام سعه صدرها و آزاد اندیشی ها تمام می شود! به جرم اینکه با مبانی تفکری شما جور در نمی آید! آیا این یک نوع رفتار قبیله گرایی همیشه مورد مذمت شما نیست؟ استاد عزیز من واقعا نمی دانم احمدی نژاد دل کسی را خون کرده یا نکرده اما تو را به خدا به ما بفرمائید با صحبت های احمدی نژاد در صدای مردم ۵ چه کنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در رابطه با عدم سعه صدر و تنگ نظری و کینه ای که بعضاً نظام قضایی ما نسبت به تیم آقای احمدی نژاد اعمال می کنند؛ بنده از زمان زندانی کردن آقای جوانفکر اعلام موضع کردم و عرض کردم نه سید مهدی شجاعی مستحق تعطیل شدن مجله اش بود به جرم تشییع فحشاء و نه جوانفکر ضد انقلاب و ضد ولایت فقیه بود. از همان زمان سعی بنده آن بود که جریان قضایی را در حدّ خود متوجه کنم این طور نیست که ما حرکات آن ها را بپذیریم، حتی آن زمانی که آقای صادق لاریجانی جواب نامه ای آقای احمدی نژاد را دادند به رفقا عرض نمودم فضای این نامه با نوعی کینه توزی نسبت به رقیب همراه است.

عرض بنده آن است که چرا آقای احمدی نژاد متوجه نشدند در چه تاریخی قرار دارند؟ و از رسالت اصلی خود با همی تنگناها که در روبه روی خود دیدند غافل شدند؟ از آن وقتی که نوعی مرید و مرادی با آقای مشائی به میان آمد تا خانه نشینی و شرکت در انتخابات بر خلاف مصلحت رهبری، معلوم شد آقای احمدی نژاد دیگر آن آقای احمدی نژادی که مقام معظم رهبری تلاش داشتند او را به عنوان نماد عدالت خواهی انقلاب اسلامی معرفی کنند؛ نیست. ما چوب آن حرکات آقای احمدی نژاد را خوردیم که عرض شد و سرشکسته ای این بچه بازی های ایشان هستیم، وگرنه هنوز هم بنده معتقدم

نظام قضائی سخت غیر حکیمانه عمل می‌کند و بچه‌بازی‌های آقای احمدی‌نژاد را هم آن‌ها تکرار می‌کنند و وظیفه‌ی ما است به هر نحوی شده است تذکر خود را به گوش آن‌ها برسانیم.

برتولت برشت در نمایش‌نامه‌ی گالیله متذکر می‌شود که در بعضی موارد جامعه نیاز به قهرمانی دارد که صورت آرمان‌های او باشد و وقتی مردم در اطراف دادگاهی که بنا بود گالیله را محاکمه کنند جمع شده بودند تا گالیله - قهرمانی که به او نیاز داشتند - با مقاومت خود نشان دهد که حقیقتاً زمین می‌گردد. ولی وقتی گالیله از دادگاه بیرون آمد در حالی که آن‌چه شایسته‌ی یک قهرمان بود، از خود نشان نداد؛ حساب کن مردم به چه حالی در افتادند؟! این جا است که برشت می‌گوید: وای به حال ملتی که قهرمانانشان یعنی نمادهای اهداف تاریخی‌شان شکست بخورند! در این گالیله نبود که شکست خورد، این مردم بودند که در شکست نماد مقاومت در هم پیچیدند.

ای کاش آقای احمدی‌نژاد متوجه بود در چه تاریخی زندگی می‌کند؟!

موفق باشید